

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۴۴ - ۱۲۷

امر به معروف و نهی از منکر در کلام و حیانی و در بیان رسول و اوصیاء ربانی «با رویکرد سلامتی در زندگی اسلامی»

اصغر عابدزاده اندریان^۱

چکیده

سخن خوب از هر که باشد خوش تر است اما کلام و حیانی با رایحه اخلاقی و انسانی بر جان و نفس آدمی نشاط دیگری می بخشد. اگر چه کلام الهی ما فوق کلام بشری است ولی تجلی زیبایی آن در کلام انبیاء عظام و ائمه اطهار (ع) به عنوان جانشینان خاص رسول ختمی مرتبت حضرت محمد (ص) تبلور یافته است.

امر به معروف و نهی از منکر از اصول مسلم اعتقادی و اخلاقی در میان فرق اسلامی است و در میان سایر فرقه های دینی هم جایگاه خاص خود را دارد. این تمنای درونی مشترک در میان انسان ها نشانگر واحدیت فطرت آدمی است.

نیک خواهی و نیک اندیشی و نیک اخلاقی رایحات خوشبویی هستند که از عطراگینی امر به معروف و نهی از منکر حاصل و در مشام انسان های سلیم القلب احساس می شوند. بر همین اساس است که آدمی از درون تمایل به امور خیر داشته و از امور زشت گریزان است. بر مبنای این میل درونی اجرای امر به معروف و نهی از منکر با شرایطی الزامی و اجباری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی

آیات، روایات، امر به معروف، نهی از منکر، رسول اکرم (ص)، ائمه اطهار (ع).

۱. استادیار و عضو هیات علمی، گروه معارف اسلامی واحد تبریز. دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تبریز.
Email: Abedzadeh1234@gmail.com

طرح مسأله

کلام الهی در خطابات بشری بر اساس فطرت ذاتی اوست (روم/۳۰) و آدمی فطرتاً از بدی‌ها گریزان است و بر خوبی‌ها عشق می‌ورزد و بیانات انبیاء عظام و ائمه اطهار (ع) هم بر سیاق همین قاعده ربّانی استوار است یعنی کلام و بیان این برگزیدگان الهی بر گرفته از کلام وحیانی است. در قرآن کریم و سخنان معصومین (ع) دو موضوع مهم «امر به معروف و نهی از منکر» بارها مورد تاکید قرار گرفته است و این نشان از اهمیت والای قضیه دارد.

امر به معروف و نهی از منکر از اصول مسلم در میان فرق اسلامی است و در این مورد بین معتزله و اشاعره و امامیه اختلافی نیست البته اجرای این اصل در گرو شرایطی است که آن را الزامی می‌سازد. (مجله مکتب اسلام، سال ۵۹، فروردین ۹۸، ص ۱۰)

اگر انبیاء الهی آمده‌اند تا مردم را به راه راست هدایت نموده و از کج روی‌ها بازدارند در تایید اصل مهم «امر به معروف و نهی از منکر» می‌باشد و ائمه اطهار (ع) به عنوان پیروان، رهروان و جانشینان واقعی رسول اکرم (ص) بر اجرای این امر مصمم بوده و در این راه مشقات سختی را متحمل شده‌اند چنانکه امام حسین (ع) هنگام عزیمت به کربلا هدف مهم این سفر را که همراه با رنج‌ها و زحمت‌ها و در نهایت آوارگی اهل و عیال و شهادت حضرتش بوده، اصلاح امت جدش و اجرای امر به معروف و نهی از منکر اعلام می‌کند. (بخارا الانوار، ج ۴، ص ۳۲۹)

نافعیت برای نیک خواهان و نیک نامان و مانعیت برای بدخواهان و بدنامان از نتایج آشکار اجرای این دو فریضه مهم است. بر این اساس در تمامی زمان‌ها حاکمان به طرق مختلف مردم را به انجام کارهای خوب ترغیب نموده و از کارهای زشت بازداشته‌اند تا شاهد انسان‌های نیک اخلاق در جامعه خویش باشند.

واقعیت این است کمتر حکومتی توانسته در این امر موفق شود مگر اینکه مردم را در این امر دخالت دهد و آن را از حالت حکومتی به شکل ملیتی درآورد تا آنجا که مردم خود را در این امر در مقابل دیگران مسئول بدانند.

نکته مهم این که توجه به طریقت این امر که برگرفته از متون قرآنی و روایی باشد آن را جذاب‌تر و مقبول‌تر خواهد ساخت.

در راستای همین مسئله نگارنده برآن است ضمن اشاره به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، تاکیدات وحیانی و تاییدات رسولان و امامان ربّانی را در این موضوع به اقتضاء ظرفیت و مجال مقاله با اندک توضیحی در معرض مطالعه کنندگان و خوانندگان محترم قرار دهد تا شاید بر حساسیت موضوع بیش از پیش واقف شویم تا در این راه قدم‌ها محکم برداشته شود و قلب‌ها مستحکم گردد.

معنی و مفهوم "معروف و منکر"

"معروف" در لغت به معنای شناخته شده، مرسوم، خوب و متداول و "منکر" به معنای ناشناخته، کارهای زشت و امور ناشناس می‌باشد.^۱

عمل به معروف دارای ثواب الهی است و منکر جزء ضد ارزش‌های دینی و مانع حاکمیت و تثبیت معنویت در زندگی انسان‌ها محسوب می‌گردد و از این رو در یک جامعه دینی با آن مبارزه می‌شود.^۲

معروف هر آن کردار و رفتار و اعتقاد پسندیده‌ای است که عقل سلیم انسان بدان حکم و قرآن و سنت آن را تأیید می‌کند. از این منظر هر خیر و خوبی در دامنه معروف می‌گنجد.^۳

امام علی (ع) می‌فرماید: جهاد در راه خدا چهار رکن دارد و آن‌ها عبارتند از:

امر به معروف، نهی از منکر، استقامت در جنگ و دشمنی با فاسقان.^۴

منکر بر خلاف معروف ضد ارزش‌های دینی و مانع حاکمیت و تثبیت معنویت در زندگی

انسان‌ها محسوب می‌گردد و از این رو باید در یک جامعه دینی با آن مبارزه شود.

پس می‌توان گفت: هر عملی که موجب رشد و کمال آدمی شود و از نظر شرع و

عقل «ارزش» شمرده شود، معروف و هر عملی که باعث انحطاط فرد و اجتماع گردد و ضد ارزش شمرده شود، منکر نامیده می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر نیاز جامعه اخلاقی و انسانی

این نیاز فطری بشر است که جامعه ایده‌آل و منطقی داشته باشد و در مدینه فاضله به

حیات چند روزه خود ادامه دهد.

اولین چیزی که ضامن بقای جامعه ایده‌آل است قانون است به عبارت دیگر قانون صحیح

اولین سنگ بنای جامعه برین به حساب می‌آید. خدای متعال قانونی را بر بشر ارزانی داشته که

عموم شمول است و سعادت همگان را تضمین می‌نماید آنجا که می‌فرماید:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نمل/۹۷)

مشاهده می‌شود حیات طیبه را در گرو عمل به آن قانون شمرده و در مقابل در جای دیگر

عدول از آن را موجب ناخوشی‌ها و فشارها و سختی‌ها در زندگی می‌داند:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا. (طه/۱۲۴)

۱ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷.

۲ - سبزه ای، محمدتقی، اهمیت و کارکردهای اجتماعی، ص ۱۴

۳ - محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۷

۴ - نهج البلاغه، حکمت ۳۰

قانون در مثل نسخه شفاء بخشی است که خود شفاء بخش نیست بلکه تهیه دارو و استفاده صحیح از آن موجب سلامتی و شادابی خواهد بود. مریض گاهی به علل مختلف یا از استفاده کردن دارو خودداری می‌کند و یا به درستی مصرف نمی‌کند بنابراین راهنما و ناظری لازم است تا او را به استفاده صحیح تشویق و در نهایت وادار نماید که سلامتی در گرو آن خواهد بود.

در تمام نظام‌های سیاسی گروهی مأمور اجرای صحیح قانون هستند و متخلفان را از طریق قانونی مجازات می‌نمایند. اما در نظام سیاسی اسلام تنها مأموران منتخب مجری قانون نیستند بلکه تمامی مردم نسبت بهم مسئولند: **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ**. (مجلسی، ج ۷۲، ص ۳۸) این حق نظارت عمومی و قانونی که ضامن اجرای عدالت و موجب سعادت و هدایت و نیل به کمال انسانیت است «امر به معروف و نهی از منکر» نامیده می‌شود.

پس برای نیل به مدینه فاضله و بهره‌مندی از مزایای آن، امر بمرعوف و نهی از منکر شرط اصلی شمرده می‌شود. متأسفانه در جوامع کنونی این امر مهم بدست فراموشی سپرده شده و به اجرای آن چندان توجهی نمی‌شود. از طرف دیگر با فراموش کردن عملی این فریضه، بحث‌های علمی آنهم بسیار کم‌رنگ شده و از قلم‌فرسایی و کتابت مقالات، جزوات و پرداخت‌های علمی چندان رونقی مشاهده نمیشود و در عوض جای آنرا «تبلیغ امواج» گرفته و تبلیغات منفی صوتی و تصویری بر تبلیغات مثبت علمی و دینی غلبه نموده است و رفته رفته امروز را با هلاکت عواطف و انسانیت مواجه می‌سازد.

امر به معروف و نهی از منکر عامل جلوگیری از گناه است

امر به معروف و نهی از منکر از فرائض مهم مکتب اسلام است که در روایات و احادیث جایگاه خاصی دارد. امر به معروف و نهی از منکر مقابله با ظلم است، بوسیله آن فرائض برپا می‌شود، وسیله اخذ صدقات است و در نهایت همه بخش‌ها و آیین‌های الهی را در بر می‌گیرد و حتی اجرای احکام و اقامه حکومت اسلامی هم بدان بستگی دارد.

امر به معروف و نهی از منکر ناظر به صیانت جامعه و راهکاری برای سالم سازی محیط اجتماعی است محیطی که برای پرورش صحیح استعدادهای خوب نهفته در انسان‌ها لازم است. امر به معروف و نهی از منکر ایجاد نوعی تعهد و مسئولیت اجتماعی در افراد نسبت به سرنوشت اجتماع است.

در کتاب «اسلام و حقوق بشر» آمده است: «دیانت اسلام به دنبال تأسیس جامعه‌ای است که انسان‌ها خواه فردی و خواه گروهی دستور دهنده نیکی (معروف) و بازدارنده‌ی بدی (منکر) بوده باشند. بکار بستن این روش، تغییرات مطلوبی در شخصیت افراد بوجود می‌آورد و آن‌ها را وامی‌دارد که در زندگی به ارزش‌های معنوی بیشتر ارج نهند؛ پویایی اسلام مرهون امر به معروف و نهی از منکر است و بسیاری از اصول مهم دیگر از این اصل سرچشمه گرفته است... اعتقاد به

خیرخواهی جامعه و قبول مسئولیت اجتماعی از ایمان به خدا حاصل می‌شود و در حقیقت دین است که ضرورت مشارکت را بخاطر ایجاد جامعه‌ای بهتر توصیه می‌کند و آدمی را از گناه و لغزش که تخلف از قانون الهی و در خور مجازات است باز می‌دارد.

تلاش اسلام در تشویق مسلمانان به دخالت در امور جامعه، عامل جلوگیری از گناه است... این روح اطاعت از قانون و عشق به عدالت است که دیانت اسلام را به تأسیس جامعه‌ای هماهنگ واداشته و مسلمانانی را در خدمت به نوع و خیرخواهی تربیت کرده است. اسلام «من فردی» را به «من اجتماعی» مبدل ساخته و مصلحت جامعه را بر سود شخصی برتری داده است. (مارسل بوازار، اسلام و حقوق بشر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸، صص ۸۳-۸۰ به نقل از امام خمینی (ره)، روح الله، رساله نوین، ج ۴، ص ۲۰۷)

جهاد در راه خدا که از مهمترین واجبات و حافظ منافع دنیوی و اخروی در دین مقدس اسلام شمرده شده، لازمه اجرای مفاد آن بستگی به اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر دارد. جهاد، مبارزه با مفاسد و موانع خارجی است که آدمی زمانی می‌تواند بر این نوع موانع غلبه کند که موانع داخلی را با قدرت امر به معروف و نهی از منکر برطرف نماید.

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

از آنجایی که آیات زیادی در موضوع امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم آمده و ذکر همه آنها حتی با توضیح مختصر از مجال این مقاله بیرون است لذا به بعضی آیات مشهور به ترتیب کتابت در سوره‌های قرآنی با رعایت اختصار اشاره می‌گردد:

وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران/ ۱۰۴)

ترجمه: باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند.

اگر به آیه قبل از این آیه توجه نماییم خداوند متعال مردم را به اتحاد و یکپارچگی دعوت می‌نماید و آنها را از تفرق و پراکندگی پرهیز می‌کند: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا...» و نیز اگر به آیه بعد از آیه مذکور هم توجه شود در این آیه هم باز هم تفرقه و جدایی مورد نهی و نکوهش قرار گرفته‌اند:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا...»

قرار گرفتن آیه مربوط به امر به معروف و نهی از منکر در میان دو آیه‌ای که مردم به اتحاد و یکپارچگی دعوت شده‌اند شاید بخاطر آن است که در نظام اجتماعی و از هم پاشیده، یا قدرت دعوت به خیر و معروف وجود ندارد و یا اینکه این نوع دعوت‌ها موثر واقع نمی‌شود.

با عنایت به مضمون آیه ماقبل (دعوت به وحدت) و آیه مابعد (نهی از تفرقه و اختلاف) می‌توان گفت اگر امر به نیکی و نهی از بدی توأم با اتحاد و یکپارچگی باشد می‌تواند نیرومندترین دشمن را محو و نابود سازد. در مقابل ملتی که در میان افرادش نظارت همگانی نباشد، دچار هرج و مرج و اختلاف و پراکندگی می‌گردد. آیه مربوطه به ما توصیه می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر را بپا دارید تا رستگار شوید و مانند برخی ملت‌ها نباشید که این امر را زیر پا گذاشتند و موجب ضلالت و نابودی خود گشتند.

مرحوم علامه طباطبائی در ادامه می‌فرماید: «جای تردید نیست که علم و عمل با یکدیگر نسبت متعکس دارد یعنی علم قوی‌ترین داعی عمل و عمل نیز قوی‌ترین وسیله ازدیاد علم می‌باشد.»

اگر در اجتماعی، دانش و علم نافع و عمل صالح باشد، برای دوام و پایداریش باید افراد را از منحرف شدن از راه خیر باز دارند و مردم هم همدیگر را به طی کردن راه خیر تشویق نمایند. این همان دعوتی است که با تعلیم و آموزش و امر به معروف و نهی از منکر شروع می‌شود. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۶۰۷)

پس می‌توان گفت: انجام امر به معروف و نهی از منکر به دو نوع قابل تصور است: اول اینکه یک وظیفه همگانی است و هر کس به اندازه‌ی توانایی خود باید نسبت به انجام آن اقدام نماید.

دوم اینکه یک وظیفه اختصاصی است و کسانی مأمور انجام این کار باید باشند که اسلام شناس، مردم شناس و روش شناس باشند بنابراین بعضی از انسانها این مسئولیت را عهده‌دار خواهند بود نه همه انسانها.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ.» (آل عمران/ ۱۱۰)

ترجمه: شما بهترین مردمی هستید که برای مردم ظاهر (گزیده) شده اید. به خوبی‌ها فرمان می‌دهید و از بدی‌ها و زشتی‌ها، نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

در آیه قبلی مرحله خاصی از امر به معروف و نهی از منکر که توسط گروه خاصی باید انجام بگیرد مدنظر بوده ولی در این آیه فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه همگانی مدنظر قرار گرفته است، چون مقصود از «ناس» عموم بشر بوده و منظور از «امه» جماعتی است که دارای هدف و مقصد خاصی باشند بنابراین مفهوم آیه چنین خواهد بود: شما جماعت مسلمان بهترین امتی هستید که خدا آن را برای مردم جهان نمایان کرد، زیرا متحد و متفق بوده، ایمان به خدا دارید و به دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر عمل

می‌کنید. بدیهی است بزرگ داشتن امت اسلامی بخاطر اعتقادات قلبی و به خاطر انجام دستورات الهی که از اهم آنها انجام امر به معروف و نهی از منکر است.

انجام امر به معروف و نهی از منکر به قدری مهم است که معیاری برای امتیاز امت اسلامی محسوب شده است؛ پس بهترین امت بودن با شعار نیست بلکه با ایمان به خدا داشتن و انجام امر به معروف و نهی از منکر میسر می‌شود. بنابراین، اولاً بهترین امت بودن با عمل است نه با شعار. ثانیاً امر و نهی زمانی موثر است که از ایمان به خدا سرچشمه گرفته باشد. ثالثاً امر به معروف و نهی از منکر زمانی عملی می‌شود که مسلمانان بصورت متحد و متفق باشند. رابعاً همچنان که ایمان به خدا منشأ بروز و لزوم امر به معروف و نهی از منکر است امر به معروف و نهی از منکر هم موجب حفظ و تقویت ایمان به خداست.

«لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرِّبَايُونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السَّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.» (مائده/۶۳)

ترجمه: چرا علمای نصاری و یهود آنان را از سخنان آلوده به گناه و خوردن مال حرام، نهی نمی‌کنند؟ چه بد است آنچه انجام می‌دهند.

در آیه قبل (آیه ۶۲) از افرادی سخن آمده که در جهت گناه و تجاوز و خوردن مال حرام شتاب می‌کنند و در مورد آن‌ها فرموده: «چه بد عمل می‌کنند». در این مرحله به قسمتی از وظایف علماء و دانشمندان اشاره کرده و می‌فرماید: چرا آنان را از گناه و ارتکاب به زشتی‌ها باز نمی‌دارند؟ اگر مردم عوام به خاطر انجام کارهای زشت و ارتکاب به گناهان مورد نکوهش قرار می‌گیرند علماء هم بخاطر امر به معروف و نهی از منکر نکردن مورد نکوهش و لعن خداوند قرار می‌گیرند.

سکوت علماء و دانشمندان در قبال آلودگی‌های دیگران و رها کردن امر به معروف و نهی از منکر، یا طمع به منافع ستمگران است و یا ترس از آنان، بدینجهت مورد لعن خدا قرار گرفته‌اند. این که مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر در درجه اول متوجه دانشمندان می‌باشد گویای این نکته است که زیبایی علم این عالمان در اظهار آن و زشتی‌اش در سکوت و کتمان آن است.

میبیدی در این باره گوید: «علم آن است و طریق عالم چنان است که با زبان، نصیحت راند و در دل، همت دارد تا جاهل را از جهل و عاصی را از معصیت باز دارد و گمراه را به راه بازگرداند. چون این بناشد، ثمره علم کجا پیدا آید؟ و آنجا که این معنی نبود، لاجرم خداوند متعال هر دو را مورد ذم قرار داد: آن نادان بدکردار و آن دانای خاموش. آن را گفت: «لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» و این را گفت «لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.» (کشف الاسرار، ج ۳، ص ۱۷۴، با کمی تغییر)

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف/۱۵۷)

ترجمه: کسانی که از پیامبر درس نخوانده‌ای پیروی می‌کنند که نشانه‌های او را نزد خویش در تورات و انجیل بصورت نوشته می‌یابند پیامبری که آنان را به نیکی فرمان می‌دهد و از زشتی باز می‌دارد و آنچه را که پاکیزه است برایشان حلال می‌کند و پلیدی‌ها را برایشان حرام می‌کند و از آنان بار گران تکالیف و بندهایی را که بر آنان بوده بر می‌دارد. پس آنان که به او ایمان آورده و او را گرمی داشته و یاری کنند و از نوری (قرآن) که همراه او نازل شده است پیروی کنند آنان همان رستگاران هستند.

رحمت مکتوب بر بنی اسرائیل آنچنان که در آیه قبلی آمده منحصرأً برای کسانی واجب شده که تقوی پیشه کنند و زکات دهند و به آیات خدا ایمان بیاورند. در زمان رسول اکرم (ص) مصداق آن اشخاص از بنی اسرائیل تنها کسانی هستند که این پیامبر الهی را پیروی نمایند. واضح است با پیروی او خصوصیات مذکور حاصل می‌شود. زیرا ایمان آوردن به خدا و پیامبران و شریعت‌های آنها با اطاعت و تسلیم در برابر دستورات ایشان میسر است. مطلب بعدی در این آیه این است که پیامبر اسلام (ص) با صفات پنجگانه توصیف شده و مسأله امر به معروف و نهی از منکر سرآغاز این صفات است و گویا همه این‌ها علائمی هستند که پیامبر اکرم (ص) در تورات و انجیل با آنها توصیف شده است و مسأله امر به معروف و نهی از منکر در میان امت‌های صالحه پیشین هم رواج داشته است منتها چندان مورد عمل قرار نگرفته و اسلام ضمن تأیید بر ارزش آن تأکید نموده و روح تازه‌ای بر آن بخشیده و از مرحله زبانی به مرحله‌ای رسانید که شامل جهاد به اموال و نفس‌ها گردید.

آری اسلام علاوه بر امر به معروف و نهی از منکر امور مربوط به زندگی بشر را به دو قسم «طبیات» و «خبائث» تقسیم کرده و طبیات را حلال و خبائث را حرام نموده بنابراین موضوعاتی چند در آیه شریفه از اهمیت والایی برخوردار شده است که عبارتند از: امر به معروف، نهی از منکر، حلال کردن طبیات، حرام کردن خبائث و برداشتن تکالیف سخت جعلی و غیرالهی.

التَّابِتُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۱۲)

ترجمه: (مؤمنان) اهل توبه، عبادت، ستایش، سیاحت، رکوع، سجده، امر به معروف، نهی از منکر

و حفظ حدود و مقررات الهی هستند و (چنین) مومنان را بشارت ده.

در این آیه شریفه مؤمنان با صفات نیکویی توصیف شده: مومنین بخاطر اینکه از غیر خدا به سوی خدا بازگشت کردند «تائبان»، و چون او را می‌پرستند «عابدان» و چون با زبان حمد و سپاس او گویند «حامدان» و چون با قدم‌های خود از این معبد به آن معبد می‌روند «سائحان»، و بخاطر رکوع و سجده‌هایشان «راکعان و ساجدان» هستند.

چنانکه ملاحظه می‌شود تا اینجا از صفاتی نام برده که در حالت انفرادی است و هر کس به قدر اعتقاد و توانایی خود در مقابل خدای متعال انجام می‌دهد ولی در قسمت بعد به این صفات کفایت نکرده و مؤمنان را در اجتماع همچون نگهبانانی می‌داند که اجتماع خود را به خیر و سعادت راهنمایی می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر را از امور مهم خویش قرار می‌دهند و در تمامی مراحل زندگی چه در حال انفراد، چه در حال اجتماع، چه در خلوت و چه در آشکار حدود الهی را حفظ می‌کنند و از آن تجاوز نمی‌کنند. در اینجا در حقیقت متذکر این نکته است که مؤمنان با اجرای دستور الهی «امر به معروف و نهی از منکر» اجتماع صالحی بوجود می‌آورند و با این کار هم خودشان را ملزم به رعایت حدود الهی می‌دانند و هم مراقب دیگران هستند که مبادا به حدود الهی تجاوز نمایند.

بطور کلی می‌توان گفت: توبه از گناه، راه عبادت را باز می‌کند، زبان ستایشگر همراه با پویایی و تحرک، آمادگی برای رکوع و سجود را در پیشگاه خداوند فراهم می‌کند و امر به معروف و نهی از منکر حافظ حدود الهی در جامعه است و با داشتن این صفات است که ایمان مومن کامل می‌شود و مشمول قطعی رحمت الهی تا ورود به بهشت خواهند بود.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ آيَاتِهِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ
الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل/ ۹۰)

ترجمه: همانا خداوند به عدل و احسان و دادن حق خویشاوندان، فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز، نهی می‌فرماید، او شما را موعظه می‌کند تا شاید پند گیرید.

احسان کلمه مبارکی است که شامل خدمات فکری، مالی، فرهنگی و عاطفی می‌شود و خداوند متعال این واژه را به عنوان صفتی در خود ثابت می‌داند و چون عادل است انسان‌ها را هم به عدل و احسان دعوت می‌نماید و در کنار این صفات مهم، پرداخت حقوق خویشاوندان و دوری از اعمال زشت و ناپسند و اجتناب از تجاوز به حقوق دیگران را به عنوان صفات مهم انسان‌ها می‌شمارد که باید بر آن صفات پایبند باشند. بر همین اساس تمامی انسان‌ها فطرتاً به عدل و احسان گرایش دارند و از اعمال زشت و نیز از تجاوز به حقوق دیگران متنفرند ولی وسوسه‌ها و غرایز موجب غفلت آنها می‌شود که باید با تذکر آنها را به این صفات یادآور شد.

چنانکه ملاحظه می‌شود خداوند متعال در این آیه ابتدا صفات سه‌گانه را که مهمترین

صفات تشکیل دهنده اجتماع بشری هستند ذکر فرموده است زیرا که از نظر اسلام اصلاح جامعه در درجه بالایی قرار دارد اگرچه انسان‌ها فرد فردند و هر فردی برای خود شخصیتی دارد ولی به لحاظ طبیعتی که دارند، سعادت هر شخص مبنی بر اصلاح جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند و چنانکه گفته‌اند شخصیت‌یابی انسانها در جوامع فاسد غیرممکن و یا خیلی سخت است بدین جهت به دنبال این صفات سه گانه، نهی از منکر را به عنوان ضامن بقا و دوام این صفات یاد می‌کند، زیرا که امر زشت و ظلم به دیگران موجب می‌شود صفات قبلی هم ناپود شوند در اینصورت آدمی غافل از دستورات خداوندی به هر گناه و ظلمی روی می‌آورد و در عین حال احساس شرم و گناه هم نمی‌کند.

«وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِسْمَاعِیلَ اِنَّهُ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ کَانَ رَسُوْلًا نَّبِیًّا. وَ کَانَ یَامِرًا اَهْلَهُ بِالصَّلٰوٰهٖ وَ الزَّکٰوٰهٖ وَ کَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِیًّا.» (مریم / ۵۴ و ۵۵)

ترجمه: در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او همواره در وعده هایش صادق و فرستاده از سوی خدا و پیامبر بود. همواره خاندان خود را به نماز و زکات امر می‌کرد و پیوسته نزد پروردگارش مورد رضایت بود.

در آیات شریفه از ویژگی‌های یکی از پیامبران الهی نام می‌برد که شاید بخاطر این صفات مهم ذکر نام او را در قرآن کریم لازم دانسته است. (مفسرین در اینکه این اسماعیل کیست اختلاف نظر دارند؛ برخی گفته‌اند اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم (ع) است و اگر نام او را تنها نام برده و از اسحاق و یعقوب نام نبرده بخاطر عنایت خاص به اوست. و بعضی گفته‌اند: اسماعیل پسر حزقیل یکی از انبیاء بنی اسرائیل است، چون اگر فرزند حضرت ابراهیم (ع) بود می‌بایست اسحاق و یعقوب را هم نام می‌برد. (مرحوم علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ذیل آیه شریفه) این پیامبر الهی خوش قول است و پیوسته اطرافیانش را به نماز و زکات امر می‌کرد و بدین جهت مورد رضایت خداوند قرار می‌گرفت.

اقامه نماز و اداء زکات دو امر مهم از احکام شریعت اسلامی بشمار می‌آیند و دعوت مردم به این دو امر مهم را یکی از صفات مهم یک پیامبر الهی می‌شمارد و نتیجه این دعوت را مشمول رضایت خداوند قرار گرفتن می‌داند که بالاترین درجه اولیاء الهی است.

اگر به مفهوم آیات شریفه توجه نماییم به چند نکته مهم پی می‌بریم:

- ۱- فرستاده‌های خداوند در وعده خود صادق هستند.
- ۲- امر به اقامه نماز و پرداخت زکات به اعضای خانواده هم واجب است.
- ۳- امر به اقامه نماز و پرداخت زکات از مصادیق مهم امر به معروف و نهی از منکر است.
- ۴- رضایت الهی بالاترین هدف پیامبر خداست.

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.» (حج/۴۱)

ترجمه: کسانی که اگر در زمین آنها را به قدرت برسانیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند و پایان همه امور برای خداست. در آیات قبلی این سوره مبارکه مؤمنان با صفاتی معرفی شده‌اند و به لحاظ اهمیت در این آیه هم به صفات دیگری از مؤمنان اشاره می‌فرماید که اگر آنها در روی زمین قدرت و تمکن پیدا کنند بطوری که قدرت انجام هرکاری را داشته باشند باز هم در اقامه نماز کوشا بوده و برخورد وظیفه می‌دانند که زکات بپردازند و در ترغیب دیگران به انجام کارهای نیک و اجتناب از کارهای زشت از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند و چون می‌دانند پایان همه امور برای خداست بنابراین تمامی نیات و اعمال خود را در جهت رضایت الهی قرار می‌دهند.

با عنایت به مفهوم آیه شریفه نتیجه قدرت و امکانات دنیوی برای انسان‌ها متفاوت خواهد بود؛ اگر صاحبان قدرت و امکانات افراد صالح و مؤمن باشند هیچ وقت بر آن مغرور نبوده و آنرا عنایت الهی بر خود می‌دانند بنابراین به عنوان شکرگزاری نماز می‌خوانند و زکات می‌پردازند و از همه مهم‌تر اینکه دیگران را نیز بر این امر فرا می‌خوانند و آنها را از کفران نعمت برحذر می‌نمایند. در مقابل اگر این صاحبان مقام و ثروت از انسان‌های طغیانگر و قدرشناس باشند طغیانگری نموده. در راه نابودی فضایل انسانی قدم بر می‌دارند و دیگران را نیز آگاهانه و یا ناآگاهانه بر این امر تشویق می‌نمایند و در نتیجه امنیت جامعه برای زندگی انسان‌ها مطلوب نخواهد بود و فریضه مهم «امر به معروف و نهی از منکر» بدست فراموشی سپرده می‌شود و مردم در قبال همدیگر احساس مسئولیت نخواهند کرد.

«يَا بَنِي آدَمِ اقِمِ الصَّلَاةَ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ اِنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ.» (لقمان/۱۷)

ترجمه: فرزندانم نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و آنچه از سختی‌ها بر تو می‌رسد در مقابل آن مقاومت کن که این امر از امور واجب و مهم است.

در قرآن کریم هر جا دستور به نماز داده شده، زکات را هم کنار آن ذکر فرموده است ولی در این آیه به دنبال دستور به اقامه نماز دو امر مهم امر به معروف و نهی از منکر را آورده و در حقیقت از مسائل مهمی هستند که پدری همچو لقمان حکیم بر فرزندش توصیه می‌کند. هر پدری خیرخواه اولادش است بنابراین آنچه که از مهمترین مسائل است و آینده او را تضمین می‌نماید بر پسرش توصیه می‌کند و لقمانی که سوره‌ای از سوره‌های قرآن بخاطر حکمت و عظمتش بنام او نازل گردیده، یقیناً این مسأله بر او صادق‌تر خواهد بود و سفارشات او بر فرزندش

نسخه شفا بخشی خواهد بود که برای آیندگان به عنوان دستورالعملی انسان ساز محسوب می‌گردد.

نکته مهم دیگر در این آیه شریفه این است سفارش به صبر در مقابل مشکلات بعد از سفارش به «امر به معروف و نهی از منکر» آمده است و این نشانگر آن است که شاید در اجرای این دو فریضه مهم مشکلاتی هم برای امر به معروف و نهی از منکر کننده پیش آید که باید در مقابل این نوع مشکلات مقاوم و صبور باشد.

عنایت به این نکته هم لازم است که «امر به معروف و نهی از منکر» در امور مهم صورت می‌گیرد و تحمل رنج و زحمت در برابر مشکلات احتمالی ارزش والایی دارد.»

امر به معروف و نهی از منکر در کلام پیامبر اکرم (ص)

پیامبر اسلام به عنوان خاتم پیامبران و گل سرسید آنها رابط اصلی و مهم بین خدای تعالی و بندگان اوست و هر عمل او برگرفته از دستورات الهی بوده و مصلحت بندگان خدا را در بر می‌گیرد قطعاً فرمایشات گهربار آن حضرت در مورد امر به معروف و نهی از منکر هم برگرفته از فرمایشات خدای متعال در قرآن خواهد بود که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ. (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۸).

ترجمه: امت من تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند در خیر و سلامتی هستند. در این روایت خیر و صلاح مردم با امر به معروف و نهی از منکر تضمین شده است.

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ. (مجمع البیان طبرسی، ج ۴، ص ۴۸۴)

ترجمه: هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب اوست.

چنان که از روایت فوق برمی‌آید امر و نهی کنندگان مورد تأیید خداوند متعال و پیامبرش و مورد پسند قرآن کریم است و این امر امکان پذیر نیست مگر به واسطه کاری که انجام داده‌اند و نتیجه‌ای که حاصل گشته است.

مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنِ مُنْكَرٍ أَوْ ذَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ وَ مَنْ أَمَرَ بِسُوءٍ أَوْ ذَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ. (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۸)

ترجمه: کسی که به کار خوبی امر کند یا از کار بدی نهی کند یا بر کار خوبی راهنمایی کند یا به آن اشاره نماید در آن کار خوب شریک است. و کسی که به کار بدی امر کند یا به آن راهنمایی و یا به آن اشاره نماید در آن بدی شریک است.

پیامبر اسلام (ص) در این روایت امر کنندگان، راهنمایی کنندگان و حتی اشاره کنندگان به کارهای پسندیده و خوب را همانند کسانی می‌داند که انجام دهندگان کارهای خوب هستند و

برعکس امر کنندگان، راهنمایان و اشاره کنندگان به اعمال زشت و نامطلوب را همانند کسانی می داند که خود اهل کارهای زشت هستند.

لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ، نُزِعَتْ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ. (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۴).

ترجمه: مردم همیشه در خیر هستند تا زمانی که امر بمعروف و نهی از منکر کنند و همدیگر را بر خوبی یاری دهند، و هرگاه این امور را انجام ندهند برکات از آنها گرفته می شود، بعضی از آن ها بر بعضی دیگر سلطه پیدا می کنند و هیچ یآوری در زمین و آسمان برای آن ها نخواهد بود.

در این روایت رسول خدا(ص) خیر و شادی انسان ها را در زندگی مرهون امور زیر می داندند: اول، امر بمعروف؛ دوم، نهی از منکر؛ سوم، همکاری در امور خوب و پسندیده. نکته مهم این که اگر امور فوق بدست فراموشی سپرده شود اثرات منفی زیادی بوجود می آید:

برکات از زندگی گرفته می شود، بعضی به بعضی تسلط عدوانی می یابد و مهم تر از همه اینکه افرادی که این بلاها شامل حالشان باشد در زمین و آسمان یار و یآوری نخواهند داشت. رسول گرامی اسلام(ص) امر به معروف و نهی از منکر را از اهم واجبات شمرده و آن را موجب سعادت و خوشبختی انسان ها دانسته و خیر و شادی آن ها را در سایه اجرای خوب امر بمعروف و نهی از منکر می داند. بدین جهت در موارد متعددی این امر را بر مسلمندان بازگو فرموده که در این قسمت به گزیده هایی از آن ها اکتفاء گردید.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در کلام اوصیاء (ع)

ائمه اطهار(ع) به عنوان جانشینان بر حق رسول اکرم(ص) بعد از آن حضرت فصیح ترین، بلیغ ترین، خوش خوترین، خیر خواه ترین و داناترین انسان ها می باشد و کلام و بیان آن ها همچون کلام جد بزرگوارشان برگرفته از کلام وحیانی است که اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در کلام آن برگزیدگان الهی هم کاملاً مشهود است و در اینجا به برخی از این فرمایشات از بعضی از ائمه اطهار(ع) با رعایت اختصار اشاره می گردد:

امر به معروف و نهی از منکر در کلام حضرت علی (ع)

قِوَامُ الشَّرِيْعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ. (غرر الحکم، ص ۵۱۸)

ترجمه: پابرجایی شریعت وابسته به اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. براساس فرمایش حضرت علی (ع)، امر به معروف و نهی از منکر دو رکن اصلی شریعت اسلام است و هیچ دینی بدون ارکان خود نمی تواند پابرجا بماند.

يَاكُمْ وَالتَّدَابُرَ وَ التَّقَاطُعَ وَ تَرَكَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ.
(غررالحکم، ص ۱۵۹)

ترجمه: مبدا که از همدیگر روی برگردانید و پیوند خود را بر هم زنید و نیز مبدا که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید.

در این روایت همچنانکه مردم از بی اعتمادی نسبت به هم و نیز از قطع پیوندهای خانوادگی برحذر داشته شده اند سفارش شده که مبدا امر به معروف و نهی از منکر را به دست فراموشی بسپارند.

فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أُنُوفَ الْمُنَافِقِينَ. (نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۰۰)

ترجمه: هرکس امر به معروف و نهی از منکر نماید بینی منافقین را به خاک می مالد. در این روایت دو امر مهم امر به معروف و نهی از منکر موجب اقتدار مومنین و سبب خواری و حقارت و هلاکت منافقین معرفی شده است.

لَعْنَةُ اللَّهِ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ وَ النَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ. (نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۲۹)

ترجمه: خدا لعنت کند کسانی را که به معروف امر می کنند و خود آن را به جای نمی آورند، و از کارهای بد نهی می کنند و خود مرتکب آن می شوند.

در این روایت از ویژگی‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر کنندگان عامل بودن خود آن‌ها معرفی شده تا آن جا که در صورت عامل نبودن نه تنها نباید به این امر اقدام کنند که مفید واقع نمی شود بلکه مورد لعنت خدا هم قرار می گیرند.

مَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ مَعْرُوفًا وَ لَمْ يُنْكَرْ مُنْكَرًا قَلْبًا فَجَعَلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ.
(نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۳۶۷)

ترجمه: هرکس بطور قلبی معروف را نپذیرد و منکر را انکار نکند، قلبش واژگون می گردد، پس برترها را پایین و پست‌ها را بالا قرار می دهد.

از دیدگاه امام علی(ع) در این روایت آن چه موجب دریافت حقیقت می گردد پذیرفتن اصل "امر به معروف و نهی از منکر" از صمیم قلب است، در غیر این صورت حق را باطل و باطل را حق جلوه خواهد داد.

حضرت علی(ع) به عنوان رادمرد نمونه اسلام اجرای امر بمعروف و نهی از منکر را بر همگان واجب می داند چرا که اجرای این دو فریضه مهم باعث می شود:

۱- شریعت اسلام پا برجا بماند.

۲- دل‌های مردم به همدیگر نزدیک شود.

۳- مومنان قدرتمند شوند.

۴- منافقان و دورویان شکست خورند.

۵- خیر و سلامتی بر انسان‌ها روی آورد.

۶- مردم حق و باطل را به خوبی تشخیص دهند.

۷- جامعه از رحمت الهی برخوردار شود.

و دهها اثر مثبت دیگر که در صورت عدم اجرای امر به معروف و نهی از منکر، مردم از این اثرات محروم می‌گردند.

امر به معروف و نهی از منکر در کلام امام باقر(ع)

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَدَّمُ الْفَرَائِضُ، هُنَالِكَ يُتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْإِبْرَارُ فِي دَارِ الْفُجَارِ وَالصَّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ، إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصَّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تُأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تُحْلَى الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَادِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ. (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۶)

ترجمه: امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگی است که در پرتو آن سایر فرایض برپاداشته می‌شود. آنجا که (امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند) غضب خداوند به اوج می‌رسد و همه را با عذابش فرا می‌گیرد. پس نیکان در خانه بدان و خردسالان در خانه بزرگسالان نابود می‌شوند. همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. فریضه بزرگی است که در پرتو آن واجبات دیگر برپا می‌شود، راه‌ها امن، تجارت و کسب‌ها حلال، مظالم به صاحبان اصلی‌اش بازگردانده، زمین آباد، حق از دشمنان گرفته می‌شود و حکومت تحکیم می‌یابد.

امام محمد باقر (ع) در این روایت اجرای فرایض دینی را وابسته به اجرای "امر به معروف و نهی از منکر" می‌داند و همچنین اجرای "امر به معروف و نهی از منکر" را موجب امن شدن راه‌ها، رونق تجارت‌ها، حلال بودن کسب‌ها، آباد بودن زمین، گرفتن حق از دشمن‌ها و قوی‌تر شدن حکومت‌ها می‌شود؛ بنابراین آن‌را راه پیامبران و روش صالحان معرفی نموده است. عقلانیت آدمی حکم می‌کند که برای دستیابی به این نوع امتیازات از اجرای امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکند و این امر را سرلوحه امور خود قرار دهد.

امر به معروف و نهی از منکر در کلام امام صادق(ع)

الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنَ خُلُقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَهُمَا نَصَرَهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۸)

ترجمه: امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از صفات الهی هستند که هر کس در اجرای آن‌ها کمک کند خداوند آن را یاری می‌کند و هر کس آن‌ها را خوار و حقیر نماید خداوند آنرا خوار

می‌نماید.

امام جعفر صادق (ع) در این روایت ضمن تشویق مردم به مسأله «امر به معروف و نهی از منکر» اهمیت این مسأله را برای مردم ترسیم می‌نماید که در واقع کمک به اجرای آن‌ها مساعدت و یاری خویش است از سوی خداوند متعال و برعکس در صورتی که آن‌را خوار نمایند در حقیقت خود را خوار نموده‌اند:

وَيَلُّ لِقَوْمٍ لَا يُدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۱).

ترجمه: وای بر حال قومی که با امر بمعروف و نهی از منکر خود را به خدا نزدیک نمی‌کنند.

امام صادق (ع) امر به معروف و نهی از منکر را موجب نزدیکی به خداوند می‌داند و بدیهی است عدم توجه به امر بمعروف و نهی از منکر موجب دوری از خداوند می‌شود و این بدترین عذاب الهی است نسبت به بدترین بندگان الهی.

امر به معروف و نهی از منکر در کلام امام رضا (ع)

الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ بِاللِّسَانِ وَاجِبٌ. (تحف العقول، ۴۴۴)

ترجمه: امر به معروف و نهی از منکر بوسیله زبان واجب است.

امام هشتم شیعیان در این روایت به مرحله مهمی از مراحل امر به معروف و نهی از منکر اشاره فرموده و این نشان از اهمیت قضیه است.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرْفَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَالَحَسَنِ الرَّضَا (ع) يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقُولُ إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَيَأْتِي دُنُوبًا وَقَاعَ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى (وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۲۱۴)

ترجمه: از محمد بن عرفه نقل شده که از امام رضا (ع) شنیدم که می‌گفت: رسول خدا (ص) می‌فرمود: هرگاه امت من از مسئولیت امر بمعروف و نهی از منکر شانه خالی کردند و آن‌را به یکدیگر واگذار کردند حتماً بدانند که با هلاکت و عذاب الهی روبرو خواهند شد.

امام رضا (ع) در این روایت اهمیت مسأله "امر به معروف و نهی از منکر" را از زبان پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند و تأکید می‌نماید که مبدا این مسأله را به هم دیگر واگذار کنیم که در این صورت با عذاب الهی روبرو خواهیم شد.

نتیجه گیری

در دنیای پر رمز و راز امروزی قوانین بشری سعادت دنیوی و اخروی انسان ها را تکافو نمی نماید ولی توجه به قوانین الهی را دو چندان می کند.

گرچه انسان به لحاظ تمنیات درونی و تلقیات بیرونی از انجام اعمال نیک خود و دیگران خرسند و از ارتکاب اعمال زشت ناخرسند است ولی عوامل متعددی موجب سرکوب فطرت الهی آدمی می شود. در این صورت انسان از صفت انسانی واقعی اش خلع و به صفات حیوانی متصف می گردد و مصداق آیه شریفه «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف/۱۷۹) می شود.

لازم است مردم بر اهمیت این امر واقف بوده و توجه ویژه ای بر آن مبذول دارند تا از اثرات مثبت آن در دنیا و آخرت بهره مند گردند و حکومت اسلامی در این راه از تاثیر مثبت حضور مردم غفلت نکند و قوانین محکمی را در اجرای امر به معروف و نهی از منکر وضع نماید و مامورین صالح و با کفایت و خیرخواه و مومن را برای اجرای آن به کار گیرد چرا که اجرای امر به معروف و نهی از منکر موجب برکات اختصاصی و اجتماعی است از جمله این که: موجب قرار گرفتن در صف مومنان می شود (توبه/۱۱۲) موجب تمایز مومنان و منافقان می شود (توبه/۷۱ و ۶۷) از پیروان راستین پیامبر الهی شده و موجب عزت در میان امت اسلامی می شود (اعراف/۱۵۷) آمران به معروف و ناهیان از منکر جانشینان خدا و رسول و کتاب خدا در زمین می شوند (طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۸۴) موجب رهایی از عذاب الهی می شود (الحرالعالمی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۱۴) موجب تقرب به خدا می شود (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۱) موجب متصف شدن به صفات الهی می شود (الحرالعالمی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۸) موجب امنیت راه ها، آبادی زمین و تحکیم پایه های حکومت می شود (کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۵۶) موجب دوری از لعن الهی می شود (فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹) موجب مالیده شدن بینی منافقان به خاک می شود (فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۱۱۰۰) پا برجایی شریعت و ابسته به اجرای امر به معروف و نهی از منکر است (آمدی، غرر الحکم، ص ۵۱۸) موجب خیر و صلاح مردم می شود (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۹۴) انسان ها با امر به معروف و نهی از منکر بهترین مردم می شوند (آل عمران/۱۱۰) آمران به معروف و ناهیان از منکر مخاطب الهی برای دعوت به خیر می شوند (آل عمران/۱۰۴) موجب احساس مسئولیت در قبال دیگران می شود (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸)

و صدها تاثیر مثبت که اشاره به همه آن ها در مجال این مقاله نیست. تو حدیث مفصل خوان از این مجمل.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آمدی، عبدالواحد، (۱۴۱۱ق)، «غرر الحکم و درر الکلم»، مترجم: محمدعلی انصاری، موسسه انتشارات امام عصر(ع)، چاپ اول، تهران.
- ۳- آیت اله مکارم شیرازی، «تفسیر نمونه»، جلدهای ۳ و ۲ و ۱، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و پنجم، تهران، پاییز ۱۳۶۹، (جلد ۱، ص: ۶۵۵-جلد ۲، ص: ۵۸۰-جلد ۳).
- ۴- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، «تحف العقول»، انتشارات اسلامیة وابسته به موسسه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- ۵- الحر العاملی، الشیخ محمدبن الحسن، (۱۴۰۱ ق)، «وسائل الشیعہ»، جلد ۱، تصحیح و تحقیق: شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، کتابخانه اسلامی، تهران.
- ۶- امام خمینی، روح اله، (۱۳۷۲)، «رساله نوین»، ج ۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- ۷- امام خمینی، روح اله، «امر به معروف و نهی از منکر»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.
- ۸- امام خمینی، روح اله، «کشف الاسرار»، ج ۳، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.
- ۹- سبزه‌ای، محمدتقی، «اهمیت و کارکردهای اجتماعی»، تهران، نشر حدید، ۱۳۷۵.
- ۱۰- طبرسی، شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن، «تفسیر مجمع البیان»، ج ۴، مترجم: دکتر محمد مفتاح وحسین نوری، موسسه انتشارات فراهانی، تهران، بی تا.
- ۱۱- علامه طباطبایی، سید محمد حسین، «تفسیر المیزان فی علوم القرآن»، ج ۱۳، مترجم: سیدمحمد باقر همدانی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳.
- ۱۲- علامه مجلسی، ملا محمدباقر، «بحار الانوار»، موسسه الوفا، (۱۱۰جلدی) جلدهای ۲۵ و ۱۰۰، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۳- فیض الاسلام، علی النقی، (۱۳۵۱)، «ترجمه نهج البلاغه»، تهران.
- ۱۴- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، «اصول کافی»، ج ۲، دارالأضواء، ۳۳۸ق، بیروت، با تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، ۱۴۰۵ق.
- ۱۵- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، «فروع کافی»، ج ۵، دارالأضواء، ۳۳۸ق، بیروت، با تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، ۱۴۰۵ق.
- ۱۶- محدث نوری، میرزا حسین، «مستدرک الوسائل»، ج ۱۲، قم، موسسه آل بیت، ۱۴۰۸ق.
- ۱۷- مسعودی، محمداسحاق، «حریم خصوصی و نظارت اجتماعی»، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۶.